

## حیات خودی از تخلیق و تولید مقاصد است + زندگینامه اقبال لاهوری

۷ شهریور ۱۳۹۳ ساعت ۱۴:۱۰

سپس به لاهور بازگشت و به وکالت مشغول شد. اقبال معتقد است که روح قرآن با تعلیمات یونانی سازگاری ندارد و بسیاری از گرفتاریها از اعتماد به یونانیها ناشی شده است.

علامه محمد اقبال لاهوری در سال ۱۸۷۳ میلادی در شهر سیالکوت ایالت پنجاب هند به دنیا آمد. در لاهور تحصیل کرد و سپس در کمبریج و مونیخ به مطالعه در فلسفه و حقوق پرداخت. سپس به لاهور بازگشت و به وکالت مشغول شد. اقبال معتقد است که روح قرآن با تعلیمات یونانی سازگاری ندارد و بسیاری از گرفتاریها از اعتماد به یونانیها ناشی شده است. تشویق اقبال به بازگشت اسلام به صحنه سیاست و ضدیت با تمدن غرب و رد دستاوردهای فرهنگی و علمی غرب از مسائلی است که مورد توجه و استقبال و گاه مورد انتقاد گروه‌هایی از اندیشمندان است. وی به سال ۱۹۳۸ میلادی بدرود حیات گفت.

در بیان اینکه حیات خودی از تخلیق و تولید مقاصد است

زندگانی را بقا از مدعا ست  
 کاروانش را درا از مدعا ست  
 زندگی در جستجو پوشیده است  
 اصل او در رزو پوشیده است  
 رزو را در دل خود زنده دار  
 تا نگردد ممت خاک تو مزار  
 رزو جان جهان رنگ و بوست  
 فطرت هر شی امین رزو ست  
 از تمنا رقص دل در سینه ها  
 سینه ها از تاب او ئینه ها  
 طاقت پرواز بخشد خاک را  
 خضر باشد موسی ادراک را  
 دل ز سوز آرزو گیرد حیات

غیر حق میرد چو او گیرد حیات  
 چون ز تخلیق تمنا باز ماند  
 شهپرش بشکست و از پرواز ماند  
 آرزو هنگامه آرای خودی  
 موج بیتابی ز دریای خودی  
 آرزو صید مقاصد را کمند  
 دفتر افعال را شیرازه بند  
 زنده را نفی تمنا مرده کرد  
 شعله را نقصان سوز افسرده کرد  
 چیست اصل دیده بیدار ما  
 بست صورت لذت دیدار ما  
 کبک پا از شوخی رفتار یافت  
 بلبل از سعی نوا منقار یافت  
 نی برون از نیستان آباد شد  
 نغمه از زندان او آزاد شد  
 عقل ندرت کوش و گردون تاز چیست  
 هیچ میدانی که این اعجاز چیست  
 زندگی سرمایه دار از آرزوست  
 عقل از زائیدگان بطن اوست  
 چیست نظم قوم و آئین و رسوم  
 چیست راز تازگیهای علوم  
 آرزوئی کو بزور خود شکست  
 سر ز دل بیرون زد و صورت به بست  
 دست و دندان و دماغ و چشم و گوش  
 فکر و تخییل و شعور و یاد و هوش  
 زندگی مرکب چو در جنگاه باخت  
 بهر حفظ خویش این آلات ساخت  
 آگهی از علم و فن مقصود نیست  
 غنچه و گل از چمن مقصود نیست  
 علم از سامان حفظ زندگی است  
 علم از اسباب تقویم خودی است

علم و فن از پیش خیزان حیات  
علم و فن از خانه زادان حیات  
ای از راز زندگی بیگانه ، خیز  
از شراب مقصدی مستانه خیز  
مقصد مثل سحر تابنده ئی  
ماسوی را آتش سوزنده ئی  
مقصدی از آسمان بالاتری  
دلربائی دلستانی دلبری  
باطل دیرینه را غارتگری  
فتنه در جیبی سراپا محشری  
ما ز تخلیق مقاصد زنده ایم  
از شعاع آرزو تابنده ایم

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۱۳۱۵/تولید-تخلیق-خودیه-حیات/۲۱۳۱۵>